

اخبار

«ایرانگرد» جدید به مر حله پیش تولید رسید



فصل جدید مستند «ایرانگرد» جواد قارایی در گروه غیرنمایشی مرکز سیمرغ وارد مرحله پیش تولید شد.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، جواد قارایی ـ تهیه کننده و کارگردان «ایرانگرد» گفت: سری جدید مستند «ایرانگرد» در ۲۶ قسمت ۴۲ دقیقه‌ای با رویکردی متفاوت در محتوا و فرم به پیش تولید رسید. طبق طرح ارائه شده از ۱۰ استان که در مورد آنها تحقیق و پژوهش می‌شود هفت استان انتخاب شده و درباره آنها تولید اثر خواهد شد.

وی اظهار کرد: با توجه به نظرسنجی و استقبال چشمگیر مخاطبین همچنان درخصوص روستا، اقوام و عشایر، جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی هر استان مستند ساخته خواهد شد. در حال حاضر پیش تولید استان های آذربایجان شرقی و ایلام آغاز شده است. تیم های پژوهشی و محتوایی برنامه در حال تحقیقات میدانی و بازرایی محل های مورد نظر هستند و از ۳۰ روز دیگر تصویربرداری شروع خواهد شد.

قارایی درباره تفاوت‌های فصل ششم «ایرانگرد» با فصل‌های قبل نیز عنوان کرد: سعی شده در محتوا به‌روزتر و عمیق‌تر ورود کنیم مفاخر هر استان، پیشرفت‌ها و ظرفیت‌های جدید آن مورد توجه قرار گیرد و همچنین حضور پررنگ‌تر ساکنان هر منطقه در دستور کار قرار گرفته است.

او خاطرنشان کرد: تیم‌های پژوهشی که در حال فعالیت هستند همه و همه از مراکز دانشگاهی انتخاب شده‌اند، اساتید و کارشناسان مجرب در حوزه‌های تاریخ و اقوام، مردم‌شناسی، جامعه شناسی، میراث فرهنگی، محیط زیست و اقلیم شناسی به صورت گروهی در حال تحقیق و پژوهش و کسب اطلاعات میدانی از مردم ساکن هر منطقه هستند تا در نهایت به یک چکیده دست پیدا کنند و از آن به عنوان گفتار متن استفاده شود.

این مستندساز در پایان بیان کرد: لازم است از پشتیبانی و همراهی رئیس سازمان صداوسیما، قائم مقام فرهنگی و معاون سیما نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم که حمایت زیادی از این برنامه داشتند و در پایان از تلاش و زحمات ارزشمند و صادقانه آقای اکبر شاهی رییس مرکز سیمرغ تشکر می‌کنم که در زمینه پیش برد اهداف این برنامه با استفاده از همه ظرفیت‌های موجود و تلاش شبانه‌روزی مجموعه خود فرصتی دوباره به من دادند تا بتوانم به کشور عزیزم ایران خدمت کنم.

آخرین فرصت برای پایان اعتصاب بازیگران

اتحادیه بازیگران آمریکا تایید کرد که در حال بررسی آخرین پیشنهاد از سوی استودیوها و پخش کنندگان است. زیرا اعتصاب این نهاد سینمایی وارد صد و پانزدهمین روز خود شده است.

به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، یکی از سخنگویان اتحادیه بازیگران سینما و تلویزیون آمریکا (SAG-AFTRA) اعلام کرد که پیشنهادی از سوی اتحادیه تهیه کنندگان فیلم و تلویزیون که شامل نمایندگان استودیوهای بزرگ هالیوودی است، دریافت کردیم و آنها آن را «آخرین، بهترین و پیشنهاد نهایی» خود معرفی کرده اند و ما در حال بررسی آن هستیم و پاسخ خود را در چارچوب مسائل مهمی که در پیشنهادات خود به آن اشاره شده است، در نظر می‌گیریم.

حداقل دستمزد، ساختار پاداش و مقررات هوش مصنوعی، موانع اصلی اختلاف بین اتحادیه بازیگران و اتحادیه تهیه‌کنندگان فیلم و تلویزیون (AMPTA) بوده است. هالیوود و صنعت جهانی فیلم این تحولات را رصد می‌کنند و اتمسفر خوش‌بینی محتاطانه‌ای در این زمینه در هفته گذشته حاکم شده زیرا دو طرف مذاکره‌کننده در حال گفتگو بدون درز اطلاعات در رسانه‌ها هستند. در اواخر سپتامبر اتحادیه تهیه‌کنندگان سینما و تلویزیون آمریکا بهترین و آخرین پیشنهاد خود را ارائه کرد طرفین مذاکرات را در اکتبر ادامه دادند اما در نهایت ۱۱ اکتبر، اتحادیه تهیه‌کنندگان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که شکاف بین طرفین بسیار زیاد است.

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

اکبر گلپا درگذشت، استاد محمدرضا شجریان در وصف او گفته بود: «هنگامی که نوجوانی ۱۷ ساله بودم، صدای آقای گلپایگانی را از رادیو می‌شنیدم و آواز او باعث شد تا به موسیقی علاقه‌مند شوم». زنده یاد محمدرضا لطفی در خاطرات خود گفته بود: «وقتی صدای گلپایگانی از رادیو پخش می‌شد، مردم دکان‌های خود را می‌بستند تا صدای او را در منزل و از رادیو بشنوند.» اکبر گلپا بدون تردید یکی از بزرگان موسیقی ایرانی است و خبر درگذشت او میان اهالی موسیقی یک فراق بزرگ به دنبال دارد، سبک اجرایی، تسلط و تبحر او بر آواز ایرانی تا به اندازهای بود که به او لقب حنجره طلایی یا سلطان آواز داده بودند. او در میان مردم هم این همگاری را داردی بود. او در مصاحبه ای گفته بود: موسیقی برای من از کلاس دوم دبستان آغاز شد. پدر و پدربزرگم خواننده‌های خوبی بودند، به همین سبب هنرمندان زیادی در منزل ما رفت‌وآمد داشتند. در واقع من میان هنرمندان عصر خود بزرگ شدم. روزی که مادرم به علت کزاز در بستر بیماری بود، عمویم به من گفت که برای بهبود مادرت بر پشت‌بام خانه آذان بخوان. هنگامی که آذان به پایان رسید دیدم که همه متاثر و متحیر شده‌اند. پرسیدم: چه اتفاقی افتاده است که شیخ ممد شمر، تعزیه‌خوان معروف، به من گفت که چطور توانستی این‌گونه آذان را بخوانی؟ گفت کم خاصی نکردم جز اینکه در سراسر لحظه‌های آذان، مادرم پیش روی چشمانم بود. وقتی این اتفاق پدید آمد، منوجه شدم که در خوانندگی استعداد دارم.

پس از آنکه به استعداد خود علم پیدا کردم، به مدرسه نظام رفتم. در مدرسه نظام با نورعلی‌خان برومند استاد موسیقی و ردیفدان، آشنا شدم. منزل او در امیریه بود و خانواده متمولی داشت. این سخن من به این معنا بود که به شغل افسری علاقه ندارم. از آن دانشگاه بیرون آمدم و در دانشکده نقشه‌برداری پذیرفته شدم. اما از آن فعالیت هم مدتی نگذشته بود که به عنوان کارشناس رهنی بانک مشغول به کار شدم و خانه‌ها را قیمت‌گذاری می‌کردم که رای من کار من دلچسبی نبود. پس از مدتی، احساس کردم این کار به دردم نمی‌خورد. گذشت و گذشت تا روزی که در باغ آقای خواجه‌نوری میهمان بودیم در مقابل سفیر ایتالیا یک قطعه ترکی خواندم. پس از میهمانی آقایی آمد و گفت که بیا برای من کار کن. گفتم شما را نمی‌شناسم، گفت من پزینیا، سازنده برنامه «گل‌ها» هستم. آن زمان برنامه گل‌ها دو بخش ۱۰دقیقه‌ای بود. چندخواننده، از جمله ادیب خوانساری، بنان و فاخته‌ای، خواننده‌های اصلی آن برنامه بودند. به استودیوی برنامه گل‌ها رفتم. آقای پزینیا گفتند یک آواز در باب ضریب خوردن حضرت علی(ع) بخوان. من گفتم باید از استاد اجازه بگیرم، اما ایشان با اصرار خود قانعم کرد که بدون بخش موسیقی و بدون ذکر نام خواننده بخش کوتاهی از یک آواز را اجرا کنم. آن شعر این بود: «در خرابات مغان نور خدا می‌بینم/ این عجب بین که چه ز نوری ز کجا می‌بینم» وقتی این بیت از حافظ را یاد کردم، دیدم که پزینیا گریه می‌کند. چند روز بعد دوباره با من تماس گرفتندی گفتند که بیا و برای برنامه‌ای با آهنگ مرتضی محجوبی آواز بخوان. من هم به دلیلی آنکه همیشه به آواز و ترانه تعلق علاقه داشتم، این پیشنهاد را پذیرفتم. عده‌ای ایراد گرفتند که گلپا برای جوان‌ها و عامه مردم می‌خواند. اتفاقا من فقط برای مردم می‌خوانم، برای دل جوانان می‌خوانم. همه موفقیت من در طول سال‌های این بوده است که هیچ مردم چیزی نخوانده‌ام. همیشه گفته‌ام که استعداد من از جانب خداست و مردم از این استعداد حمایت کرده‌اند، پس انصاف نیست که برای خدا و مردم نخوانم. منتقدان می‌خواستند که گلپا تا پایان عمر «دل‌ای‌دل‌ای، امان‌آمان…» بخواند اما من اینطور نمی‌خواستم، زیرا مردم از من چنین توقعی نداشتند. به یاد دارم که در

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

بازیگران آمریکا از ۲۳ سپتامبر اعتصاب کردند

گلپا و آواز ایرانی که او زنده کرد

به یاد حنجره طلایی آواز ایران

گروه فرهنگ و هنر - اکبر گلپا بدون تردید یکی از بزرگان موسیقی ایرانی بود، خبر درگذشت او میان اهالی موسیقی یک فراق بزرگ به دنبال دارد، سبک اجرایی، تسلط و تبحر او بر آواز ایرانی تا به اندازهای بود که به او لقب حنجره طلایی یا سلطان آواز داده بودند.



پدرشان به نام «مرشد حسین» معروف بود و سال ۱۳۶۲ درگذشت. حدود ۸۰ سال پیش مرشد حسین سمبل آواز در ایران البته به صورت تعزیه‌خوانی، مداحی و مرثیه‌خوانی بود و یکی از مرثیه‌خوانان مهم تهران محسوب می‌شد. او هم‌راه همیشگی مرحوم فلسفی بود. فلسفی منبر می‌رفت و مرشد حسین مداح بود. مرشد حسین چند پسر داشت که همه آنها آوازخوان بودند. اکبر، عباس، محمود، ابوالقاسم و محمد که در سرراه شوسفه، خیابان صفا با هم زندگی می‌کردند. محمد گلریز درباره رابطه خانوادگی‌شان می‌گوید: «شب و نصف شب همه آواز می‌خواندند و کل کل هم داشتیم. اگر کسی گوشه یا فایه‌ای را نمی‌توانست درست اجرا کند، سپس سرود «این بانگ می‌شدند و آن را می‌خواندند. یک شب حدود ساعت ۱۲ در زند و دیدیم که همسایه‌ها آمده‌اند و داد و بیداد که چرا اینقدر سروصدا دارید و ما از دست آواز خواندن شما آسایش نداریم. جالب این که برخی دیگر از همسایه‌ها آمدند و مقابل همسایه‌های معترض قرار گرفتند. این دسته دوم از همسایه‌ها می‌گفتند ما از آواز خواندن این خانواده لذت می‌بریم و هر موقع که دوست داشته باشید، باید بخوانند.»

از شاگردی نورعلی‌خان برومند تا آوازخوانی حرفه‌ای نورعلی‌خان برومند که آن زمان موسیقیدان مطرح شهر بود به خانه مرشد حسین می‌آمد و به گلپا آموزش آواز می‌داد. محمد گلریز و بقیه این که مسیر آواز می‌استاد تا آموزش نورعلی‌خان را یاد بگیرد. یک بار نورعلی برومند پی‌هوا در را باز می‌کند و او را که پشت در و در حال گوش دادن است، می‌بیند و به داخل کلاس می‌برد. در واقع گلریز و گلپا هر دو در مسیر آواز حرفه‌ای ایرانی قدم برمی‌دارند اما گلریز در حوزه سرود مطرح و گلپا به عنوان خواننده اصیل ایرانی بین مردم شناخته می‌شود.

محمد گلریز درباره برادر بزرگ‌ترش «گلپا» معتقد است: «گلپا پیش از انقلاب اسلامی می‌خواند و البته بعد از انقلاب هم خواند اما کنسرتی نداشت. ایشان آواز را در ایران زنده و در آواز تحلی خاص ایجاد کرد و به شعر هویتی خاص داد. «گلپا» آواز را آهنگسازی می‌کرد. ما هفت دستگاه و پنج آواز در موسیقی ایرانی

فرهنگ و هنر

خبر

تاریخ به یاد ندارد ۴۶ خبرنگار را در ۲۵ روز شهید کند!



گروه‌هایی اهالی رسانه در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و به شهادت رساندن خبرنگاران صبح روز ۱۴ آبان ماه در مجموعه فرهنگی سیزده آبان (لانه جاسوسی سابق) برکزار شد.

به گزارش ایسنا، در این مراسم علاوه بر اهالی رسانه ها و مطبوعات فرشاد مهدی‌پور (معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، سردار حسین معرفوی (معاون هماهنگ‌کننده بسیج مستضعفین) و ایمان شمسایی (مدیر کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی) حضور داشتند و به یاد سخنرانی پرداختند.

این مراسم با تلاوت قرآن مجید و در ادامه پخش سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز شد.

در بخش ابتدایی، خرسندی ـ شاعر و ذاکر ـ دقایقی درباره غزه و جنایات رژیم صهیونیستی به اجرای مداحی پرداخت.

در ادامه مجری مراسم متن بیانیه اهالی رسانه در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و به شهادت رساندن خبرنگاران را قرائت کرد.

فرشاد مهدی‌پور، معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد در این مراسم گفت: با عملیات طوفان‌الاقصی هیبت‌نظامی‌پوشالی رژیم‌صهیونیستی‌فرویرخت و خیلی زود نشان داد که این یک همیشه تو خالی است. ولی بیش از آن، فعالیت عملیات روانی که توسط حماس صورت گرفت بسیار مهم بود و با عملیات رسانه‌ای، تصویر درستی از وحشی‌گری خوانندگان‌خواندن آواز در دستگاه «سه‌گانه» را با درآمد آغاز می‌کنند در حالی که «گلپا» سه‌گانه را با مخالف آغاز کرد.»

پدرشان به نام «مرشد حسین» معروف بود و سال ۱۳۶۲ درگذشت. حدود ۸۰ سال پیش مرشد حسین سمبل آواز در ایران البته به صورت تعزیه‌خوانی، مداحی و مرثیه‌خوانی بود و یکی از مرثیه‌خوانان مهم تهران محسوب می‌شد. او هم‌راه همیشگی مرحوم فلسفی بود. فلسفی منبر می‌رفت و مرشد حسین مداح بود. مرشد حسین چند پسر داشت که همه آنها آوازخوان بودند. اکبر، عباس، محمود، ابوالقاسم و محمد که در سرراه شوسفه، خیابان صفا با هم زندگی می‌کردند. محمد گلریز درباره رابطه خانوادگی‌شان می‌گوید: «شب و نصف شب همه آواز می‌خواندند و کل کل هم داشتیم. اگر کسی گوشه یا فایه‌ای را نمی‌توانست درست اجرا کند، سپس سرود «این بانگ می‌شدند و آن را می‌خواندند. یک شب حدود ساعت ۱۲ در زند و دیدیم که همسایه‌ها آمده‌اند و داد و بیداد که چرا اینقدر سروصدا دارید و ما از دست آواز خواندن شما آسایش نداریم. جالب این که برخی دیگر از همسایه‌ها آمدند و مقابل همسایه‌های معترض قرار گرفتند. این دسته دوم از همسایه‌ها می‌گفتند ما از آواز خواندن این خانواده لذت می‌بریم و هر موقع که دوست داشته باشید، باید بخوانند.»

مسیر آموزشی گلریز درست مانند گلپا بود اما اوج فعالیت‌های او درست برعکس بردارش پس از انقلاب اسلامی بود. او کارش را با آهنگ «سرود نیاپش» از رضاشاه ملکی شروع کرد. سپس سرود «این بانگ آزادی» با شعر حمید سبزواری و آهنگ احمدعلی رافغی را خواند. گلریز سپس سرودهای ای شهید مطهر، رفتند یاران، خجسته باد این پیروزی، ای شهیدان خدایی نامتان پاینده باد را خواند. او آهنگ «دریغ‌ها» را با آهنگسازی محمد علی شکوهی را به مناسبت درگذشت امام خمینی (ره) اجرا کرد.

او که یکی از خوانندگان برتر دوران دفاع مقدس است، صدایش به عنوان میراث شفاهی ایران در سازمان میراث فرهنگی ثبت شده‌است.

چرا گلریز، نام خانوادگی اش را عوض کرد؟

محمد گلریز خودش درباره تغییر نام خانوادگی خود از گلپایگانی به گلریز می‌گوید: «من اولین خواننده گروه «شیدا» بودم. در دوران سربازی با محمدرضا لطفی آشنا شدم. بعد از سربازی هم با هم بودیم. من لطفی آشنا شدم. بعد از سربازی هم با هم بودیم. من رفتم و دو سال شاگرد ادیب خوانساری شدم (۱۳۵۳) و بعد همکاری با گروه «شیدا» را آغاز کردم. وقتی می‌خواستیم، نخستین اجرای گروه «شیدا» را داشته باشیم. با محمدرضا لطفی نزد نورعلی‌خان برومند رفتم تا از او اجازه بگیریم. برومند در آن دیدار از ما پرسید، چه می‌خواهید بخوانید؟ ما هم گفتیم آوازی در دستگاه «شور» انتخاب کرده‌ایم. آقای لطفی تارش را برداشت و من هم خواندم تا به گوشه‌ی «گلریز» رسیدیم. به اینجا که رسیدیم، استاد گفت نامت را «گلریز» می‌گذارم؛ این را به من امر کرد. و داشم حرفش را گوش نداده بود و من نمی‌خواستم خلاف امر استاد عمل کنم. از آن زمان نامم را «گلریز» گذاشتم.»

مهدی‌پور با بیان اینکه رسانه‌های ما در یک ماه گذشته موضوع فلسطین را فراموش نکرده‌اند، گفت: رژیم صهیونیستی با سرکوب شدید به دنبال عادی‌سازی مسئله است. این دقیقاً نقطه‌ای است که برنامه تبلیغاتی رژیم روی آن سوار شده است. این نسل کشی در تاریخ بشری سابقه‌است و امیدوارم خیلی زود وعده‌ای که رهبر انقلاب دادند، وعده‌ای که حاج قاسم دادند محقق شود و ما فروپاشی رژیم صهیونیستی و آزادی قفس را جشن بگیریم.

یکی از عوامل مهم رشد گردشگری عربستان در سال جاری برگزاری حج سال ۲۰۲۳ است که برای نخستین‌بار از زمان شیوع بیماری همه‌گیر کووید - ۱۹ بدون هیچ محدودیتی برگزار شد. همچنین تلاش برای افزایش اتصال هوایی و سرمایه‌گذاری ۸۰۰ میلیارد دلاری در بازاریابی گردشگری به عنوان بخشی از استراتژی تنوع اقتصادی چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان نیز در این بهبود مشهود است. در این فهرست به ترتیب کشورهای پرترغال، آذربایتن، امارات متحده عربی، ترکیه، مصر، هند، اسپانیا، ایرلند، فرانسه، کانادا، سوئیس، بریتانیا، ایتالیا، برزیل و هلند رتبه‌های ششم تا بیستم را به خود اختصاص داد‌اند. هنوز بسیاری از کشورهای جهان نتوانسته‌اند به آمار جذب گردشگران بین‌المللی خود پیش از همه‌گیری کرونا دست یابند. باید منتظر ماند و دید تحولات اخیر در خاورمیانه و جنگ غزه در کوتاه‌مدت و بلندمدت چه تأثیری در روند گردشگری بین‌المللی بویژه در منطقه استراتژیک خاورمیانه خواهد داشت.

مدرسه، بعدتر به کل فضای هنری تجسمی تسری پیدا می‌کند.

گله دارزاده توضیح می‌دهد که ساختمان ضلع جنوبی که به ساختمان کمال‌الملک مشهور است، اواخر قرن سدهزدهم تأسیس شده است و الان بیش از یک قرن از فعالیت آن می‌گذرد و تاسیس آن به دوره احمدشاه برمی‌گردد. این ساختمان در دوره پهلوی اول به کارگاهی برای کار تجسمی تبدیل و به کمال‌الملک داده می‌شود که در آن کارگاهی بزند و هم کار کند و هم آموزش بدهد. بدین ترتیب، ساختمان ضلع جنوبی مکان فعالیت استادانی چون کمال‌الملک، بهزاد … و … بوده‌است.

هنرستان هنرهای زیبا تا سال‌ها به فعالیت خود در دو شاخه نقاشی و گرافیک ادامه می‌دهد تا اینکه از حدود ده دوازده سال پیش ایده آموزش سینما و تئاتر هم در آن مطرح می‌شود و از حدود ۶، ۵ سال پیش این شاخه‌های هنری هم به آن اضافه می‌شوند.

گله دارزاده درباره اضافه شدن بخش سینما و تئاتر می‌گوید: طبیعتاً ضرورتش حس می‌شد و باید مدارس با کیفیتی در این زمینه راه‌اندازی می‌شد. مدت‌های مدیدی بود که وزارت ارشاد و معلمان و دیگر گروه‌ها به این نقصان آگاهی داشتند

و برای پرورش استعدادها، دنبال راه چاره‌ای بودند تا اینکه ۵، ۶ سال پیش با تبادل طرح‌های متعددی بین ارشاد و آموزش و پرورش و پیگیری‌های زیادی که از سوی آقای احسان آقایی، مدیر پیشین هنرستان و دیگر مدیران صورت گرفت، مجوز این رشته صادر شد. طبیعتاً سال‌های اول کار سختی بود چون رشته‌ای تازه تأسیس بود و برنامه‌ریزی برای آن دشواری‌های گوناگونی داشت و نیازمند



تجهیزات مختلفی بود ولی آرام آرام قدم‌هایی برمی‌داریم تا تجهیزات تا این رشته متناسب شود. مثلاً سال گذشته سالن سینما به بهره‌برداری رسید و حالا هم منتظر تجهیز تماشاخانه آن هستیم.

به گفته او، متقاضیان تحصیل در این هنرستان آزمون ورودی دارند و معلمان مشاوره می‌دهند و بر اساس آن از میان متقاضیانی که عموماً هم پرشمار هستند، تعدادی که حایز شرایط بهتری هستند، انتخاب می‌شوند.

شاید زمانی که این ساختمان زیبا در حوالی پیچ شمیران را در جبران یک کم لطفی، به کمال‌الملک می‌بخشیدند، تصور نمی‌کردند بعد از دهه‌های متمادی همچنان صدای خنده نوجوانان در آن بیچد.

هنرستان هنرهای زیبای پسران از یکی از خیابان‌های قدیمی تهران، روزهای

پر فروری را گذرانده و بسیاری نام‌آور هنر سرزمین‌مان را در خود پرورده است.

آتیچه پیش‌رو داریم، گزارش ایسنا درباره دیروز و امروز این هنرستان است که به

انگیزه روز دانش‌آموز منتشر می‌شود. هرچند هوا هنوز رگ و بوی چندان‌ی از پاییز ندارد، نرمه باد ملایمی که می‌وزد، برای دانش‌آموزانی که در حیاط مدرسه در کار اجرای یک پرفورمنس هستند، لذت‌بخش است. حیاطی قدیمی با درختانی ستر، مکان اجرای این پرفورمنس نمایشی است؛ جایی که بعضی روزها با رنگ و بوم هنرجویان نقاشی، زیبایی دوجلدانی پیدا می‌کند. داخل ساختمان هم پر از تابلوهای رنگارنگ است که دانش‌آموزان دهه‌های پیش که حالا جزو هنرمندان شاخص کشور به شمار می‌آیند، به یادگار گذاشته‌اند. به گفته ابراهیم گله‌دارزاده که تابستان سال گذشته به عنوان سرپرست این هنرستان انتخاب شده است، بنای هنرستان هنرهای زیبا متعلق به دوره قاجار است. اولین بهره‌برداران آن فرانسوی‌هایی بوده‌اند که به دولت قاجار خدمات اداری می‌پا‌دهاند. ساختمان از آن دوران یک روح دولتی داشته تا اینکه سال ۳۷ به مدرسه هنرهای تجسمی تبدیل می‌شود. گله دارزاده با اشاره به شرایط سیاسی و اجتماعی کشور در سال ۳۲ ادامه